

نظام العلماء سبزواری (۱) این مسجد را مرمت کرد و قرائت خانه و کتابخانه‌ی و دردی به کوچی پامناز، نیز در آن احداث کرد و من نویسنده این مرمت را نیک به یاد دارم چند سال پیش جنیدن منار پامناز، شایع شد و کارشناسان نیز جنبش آن را تصدیق کردند. آقای ابراهیم صهبا بدین مناسبت شعری ساخت که بانو سیمین بهبهانی آن را پاسخ گفت و صاحب این قلم، به جسارتی از عهدت جواب بانو برآمد:

ابراهیم صهبا

بشهرهای دگر فخر اصفهان این است
 که در زمین صفاهان منار می جنبید
 ولی رقیب کنون گشته بهر شان پیدا
 منار تازه که در سبزوار می جنبید
 گمان برم که بهمد رواج می‌نی ژوب
 منارها همه بی اختیار می جنبید

سیمین بهبهانی

صهبا! شنیدم آن سخن آبدار تو
 آن حسرت نهان و غم آشکار تو
 آن آرزوی خفته نه پیدار می شود
 نباید دریغ دامن کوتاه به کار تو
 گر در همه دیار بجنبید منارها
 من شرط می‌کنم که بجنبید منار تو

سید حسن امین

ای آمده خزان و شده نو بهار تو
 دیگر مزاج و طنن نیاید بکار تو
 بنشین زپای و چشم طمع از کسان مدار
 بگذشته روز کار تو و روزگار تو
 ترسم که هم منار صفاهان قند زکار
 افتد خدا نکرده اگر در کنار تو

پایان

(۱) میرسید جعفر نظام العلماء، برادر مہتر نیای من زنده یاد میرسید حسن امین الشریعہ، شاعر، ادیب، نکته سنج، عارف، درگذشته‌ی ۱۳۱۸ شمسی، مدفون در روستای اسماعیلی از توابع قاسمی کوه میش سبزوار.

چند اثر نویافته

در مناظرات کلامی شیعی

دوست دانشمند و کتاب‌شناس ما جناب آقای حاج سید محمود آیت‌الله زاده مرعشی نجفی مجموعه‌ای گران‌قدر داربد حاوی چندین کتاب و رساله به زبان فارسی در قفله و مناظرات کلامی شیعی امامی، از آن جمله چند اثر از قرن‌های هشتم و یازدهم که نام آن پیتر از این در هیچ جای دیگر دیده نشده است.

این مجموعه نیمه‌ای است از مجموعه‌ای بزرگ پیرامون هزار و سیصد برگ به یک خط، تحریر ابوالحسن بهاری در مقام جهانگیر نگرهند به روزگار امراه شیعی قطب شاهی با تاریخ‌های دوشنبه ماه صفر ۱۰۴۵ (پایان ش ۱ متن) و ۱۰۴۷ (پایان ش ۲ متن و ۱۹ حاشیه) و رمضان ۱۰۴۸ (انجام ش ۲۵ حاشیه) و ۱۴ صفر ۱۰۴۹ (ش ۲۶) و ۱۶ ع ۱۰۴۹ - (ش ۲۸) و ۹ رجب ۱۰۴۹ (ش ۲۹).

این نیمه را آقای مرعشی از اصفهان به دست آورده‌اند. نیمه دیگر مجموعه که آن را بعدها جدا کرده و این قسمت آن را مستقلاً صحافی نموده‌اند دانسته نیست که در کجاست. امید است آن نیمه هم - که حاوی چندین متن مهم و ناشناخته دیگر است - هر چه زودتر بدست آید.

فهرست همه محتوای مجموعه در آغاز همین نیمه هست و از آن برمی‌آید که در متن آن شش کتاب و در حواشی ۴۵ کتاب و رساله نوشته شده. بدین ترتیب اجمالاً به دست می‌آید که در نیمه دیگر کتاب چه نوشته‌هایی بوده است. افسوس باید داشت که قسمتی از لایه برگ‌ها در صحافی از میان رفته و از این رهگذر نام چند اثر نامعلوم مانده است. نیمه موجود از برگ ۱ است تا ۶۶۵.

فهرست اجمالی متن مجموعه چنین است:

۱ - احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار محمد بن ابی زید بن عربشاه

- حسینی علوی ورامینی، از نیمه دوم قرن هشتم [پ ۳۵۳ ر].
- ۲ - ترجمه کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ساخته علی بن حسن زواری به نام شاه طهماسب صفوی [۲۵۵ پ ۵۶۴ ر].
- ۳ - نزهة الکرام وستان العوام جمال الدین مرتضی محمد بن حسین رازی. مجلد نخست درسی باب [۵۶۵ پ-۶۶۵ ر].
- ۴ - بهجة المباحح (۱) تاج الدین حسن شیعی سبزواری [۶۷۷-۹۰۵].
- ۵ - کتاب (۲) تصنیف شیخ طبرسی [۹۰۶ - ۹۹۵].
- ۶ - فوحات القدس یوسف بن محمد جرجانی استرآبادی [۹۹۶ - ...]. چنین است فهرست اجمالی حواشی مجموعه.
- ۱ - ترجمه قطب شاهی (ترجمه اربعین شیخ بهائی) از ابن خاتون عاملی [۹۹-۱۰۵ ر].
- با فهرست مبسوط مطالب کتاب دربرگهای آغازمجموعه [۵۰۱ ر].
- ۲ - رساله در اصول عقائد در چهار باب که در میانه باب سوم از شاه اسماعیل یاد می شود [۱۰۰-۱۱۲ پ].
- ۲ - رساله در فقه به جهت رفع حاجت بعضی اعزّه [۱۱۲ پ-۱۱۷ ر].
- ۴ - رساله در احکام حج [۱۱۷ ر-۱۱۸ ر].
- ۵ - رساله در نیت احرام [۱۱۸ ر-۱۱۸ پ].
- ۶ - ترجمه نهج الحق علامه حلی که در ۱۰۲۳ انجام گرفت و کتاب مختصر آن را در این حواشی برنگاشته [۱۱۸ پ-۱۳۱ پ].
- ۷ - ترجمه مهناج الکرامه او از نعمت الله رضوی مشهدی [۱۳۱ پ - ۱۴۸ پ].
- ۸ - رساله در بیان اعتقادات قبیله و عبادات شرعی در مقدمه و دو باب [۱۴۸ پ-۱۶۰ ر].
- ۹ - تبصرة العوام [۲۰۵ ر-۱۶۲ پ].
- ۱۰ - مسمار العقیده [۲۰۵ پ-۲۲۱ ر].
- ۱۱ - رساله در اصول عقائد [۲۲۱ ر-۲۳۰ پ].
-
- ۱- گزیده عبا هج قطب الدین کیدری که قطعه ای از آن را حضرت استاد آقای مشکوة دارند.
- ۲ - شاید اسرار الانامه عماد طبری. کامل بهائی و تحفة الابرار و مناقب الطاهیرین او نیز در این مجموعه هست.

- ۱۲ - رساله در اثبات امامت امیر مومنان علی (ع) [۲۳۰ پ - ۲۳۴ ر] .
- ۱۳ - تحقیقات یوحنا یهودی که مسلمان شده بود [۲۳۴-۲۳۱ ر] .
- ۱۴ - رساله در تفسیر آیه و نازل من القرآن . . . بنام جالینوس مقام رکن الدین مسعود که در رسیدن به مقام پدر صاحب مقصد سنی است [۲۳۷ ر - ۲۳۸ ر] .
- ۱۵ - شرح دعاء ستمی قریش از یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی انداروادی در او اخرع ۱ - ۷۴۰ در محروسه سبزوار [۲۳۸ ر - ۲۴۱ پ] .
- ۱۶ - خلاصه البیان در احکام خوردنی ها و آشامیدنی ها و حلال و حرام آنها ، در مقدمه و سدباب و خاتمه . در آن از شیخ فخر الدین ولد شیخ جمال الدین مطهر حلی یاد میشود [۲۴۲ ر - ۲۴۴ ر] .
- ۱۷ - رساله حسینیّه [۲۴۴ ر - ۲۵۶ ر] .
- ۱۸ - نهج الیقین در اصول دین [۲۵۶ ر - ۲۶۳ پ] .
- ۱۹ - ترجمه و شرح خطبه ششقیه از شریف بن نورالله حسینی [۲۶۳ ر - ۲۷۵ پ] .
- ۲۰ - در بحر مناقب درویش برهان [۲۷۵ پ - ۳۰۳ ر] .
- ۲۱ - تحفة الابرار عماد طبری [۳۰۳ ر - ۳۳۱ ر] .
- ۲۲ - مرآت القلوب [۳۳۱ ر - ۳۳۸ پ]
- ۲۳ - رساله در تفسیر چند آیه اخلاقی قرآن کریم و ترجمه برخی از احادیث نبوی در مناقب اهل بیت با نمونه هایی از روش سلوک آنان . به نام سلطان نظام شاه ، پادشاه بلاد هند [۳۳۸ پ - ۳۴۰ پ]
- ۲۴ - ریاض المحبین فی مناقب امیر المؤمنین [۳۴۰ پ - ۳۵۰ ر] .
- ۲۵ - کامل بهائی [۳۵۰ پ - ۴۴۰ ر]
- ۲۶ - مناقب مرتضوی محمد صالح حسینی ترمذی [۴۴۰ پ - ۵۴۳ پ] .
- ۲۷ - ذخیر مقاله در علم کلام [۵۴۳ پ - ۵۴۹ پ] .
- ۲۸ - نظامیه فی مذهب الامامیه محمد بن احمد خواجگی شیرازی [۵۴۹ پ - ۵۶۷ پ] .
- ۲۹ - سیر النبی . تاریخ عمومی مختصر از دوره پیامبر تا قرن نهم به نام شاه عباس اول [۵۶۷ پ - ۶۱۲ پ] .
- ۱ - به قرائنی که در براعت استهلال دیباجه دیده می شود گویا همان حکیم رکنای کاشی مشهور .

۳۰ - مصابیح القلوب - تاج الدین حسن شیعی سبزواری [۶۱۳ پ -

[۶۶۵ پ]

دنباله متن مصابیح تا برگ ۶۹۳ ادامه داشته که در این نیمه تنها تا فصل
چهل و یکم از ۵۳ فصل آن آمده است . در حواشی نیمه دیگر مجموعه که اکنون
در دست نیست این رساله ها و کتاب ها بوده است :

۳۱ - کفایة المؤمنین گویا همان که محمد شریف خادم نگاشته است (ذریعه

۱۸ : ۱۰۰) و نسخه آن در کتابخانه مدرسه حجتیه قم هست [۶۹۳-۷۴۹] .

۳۲ - مناقب الطاهرین عماد طبری [۷۴۹ - . . .] .

. . . - ۳۳

۳۴ - معتقد الفایزین [۸۷۹ - ۹۱۶] .

۳۵ - رساله در تحقیق احوال حکما المسمی به خلاصه الحقایق

[۹۱۶-۹۹۲] .

۳۶ - رساله در فقه [۹۲۲ - . . .] .

. . . - ۳۷

۳۸ - رساله در واجبات نماز و غیره المسمی به سی و هفت باب تصنیف سعید

جرجانی [۹۲۹-۹۴۰] .

۳۹ - رساله فی فرض الصلوة [۹۴۰-۹۴۴] .

۴۰ - رساله شرح زیارت ابی عبدالله الحسین علیه الصلاة والسلام در روز

عاشورا [۹۴۴ - . . .]

. . . - ۴۱

۴۲ - . . . الجلی [۹۴۷-۹۹۷] .

۴۳ - فیوض الصوفیة الجعفریة تصنیف شیخ عبدالله شطاری (۶)

[۹۹۷-۱۰۰۴] .

۴۴ - وسیلة الخادم الی المخدوم [۱۰۰۴ - . . .]

اینک آشنایی بیشتر با چند اثر کلامی از این جمله که از آن نامی درجایی

دیگر ندیده ام، بر اساس شماره های پیش .

۱۰

مسماة العقیدة

در اصول عقائد شیعی و برخی فروع عملی ، به گونه سؤال هایی که پاسخ

آنها از رئیس و پیشوای مذهبی اهل سنت اصفهان خواسته شده است . ساخته
 هبه الله بن محمد الاصيل در سال ۷۰۷ در اصفهان . در دوازه فصل :
 فصل ۱ - در توحید . فصل ۲ - در نبوت . فصل ۳ - در امامت . فصل ۴ -
 در شناختن اسلام و ایمان . فصل ۵ - در وجوب تکلیف و طاعت . فصل ۶ - در عصمت
 فصل ۷ - در امامت مسلمانان . فصل ۸ - در اجماع و نص . فصل ۱۲ - در
 سوالات مختلفه .

در دیباچه این رساله از سلطان محمد خدا بنده - اول جایتو و عبدالله بن محمد
 بغدادی و رساله عربی او و نظام الدین اسحاق مزهد و اعظ اصفهان (۱) ، و در
 انجام آن از خلیفه عجم قاضی القضاة جلال الاسلام و کتابهایی که نیاکان مؤلف
 در فضائل اهل بیت تدوین نموده اند یاد می شود .

آغاز : د بسمله . . بعد از حمد بی قیاس و ستایش و سپاس مر خدای
 یکتای بی همتا را عز ذاته و جل صفاته که هستی همه چیزها بر وجود و یگانگی
 او گواه است و آدمی (؟) از نام و نشان همه چیزها آگاه ، و آفرین بر روان
 مهتر آدمیان محمد مصطفی و بهترین یاران علی مرتضی و پیروان ایشان .

چنین نویسنده محرر این رساله و مقرر این مقاله که به تاریخ میانه تاستان
 سال بر هفصد و هفت از هجرت پیغام بر ما از مکه به مدینه و عهد دولت میمون و
 روزگار همایون شاهزاده و پادشاه جهان خدایگان سلاطین زمین و زمان ، داراء
 جهانیان پیشوای خسروان ، شاه مسلمانان سایه رحمت رحمان ، آفتاب آسمان
 امن ایمان ، فروغ اروغ چنگیز خان ، غیا ، الدنيا والدین .

جهانش به کام و فلك یار باد جهان آفرینش نگهدار باد

۱ - در رساله سیر النبی (ش ۲۹ همین مجموعه بزگ ۶۱۲ ر)

می نویسد :

و سلطان محمد خدای بنده در شهور سنه سبع و سبع مائه فرمان داد تا سکه
 و خطبه به اسامی دوازده امام علیهم السلام مزین سازند . در بسیار جاها از جمله
 اصفهان از پیش نرقت و اهالی او همان قبول نمی کردند تا در سنه عشر و سبع مانه
 بیست هزار سوار خواست که بدانجا فرستد و متمردان را تأدیب کند .

بعد از رحمت بسیار مقدم ایشان که ملا ابواسحاق بود گرفته به اردوی
 آوردند ، يك مرتبه سرسختی اصفهانیان تخفیف یافت اما چنان که باید به راه
 نیامدند .

در میان عامه اهل جهان خاصه خطه اصفهان که واسطه قلاده اقلیم وسط است گفت و گوی و جست و جوی به واسطه بحث امامت نوع انسان و کار خلافت پینامبر آخر الزمان و حال امیر المؤمنین شیر یزدان و درستان و دشمنان او پیدا و پنهان پدید آمده بود .

حکیم فاضل عارف و اصل مولانا تاج الملة والدين عبد الله بن معمار البغدادي اینجا رسیده وهم در این سخنان سؤال چند نزد شیخ نامدار واعظ اهل این دیار نظام الدین اسحاق مزهد نوشته و رساله عربی ساخته ، چون او بر عزیمت سفر روانه شد جماعت بزرگان و دوستان همه از آن سئوالات [بهره ور] نمی گشتند به اتفاق اشارت کردند که سئوالات را پارسی در میان رساله . . آن بحث ها را پاک و منقح کرده ثبت گرداند و اگر جایی روشن تر و جبهی . . آیات و امثال دیگر سخنان که به فهم نزدیک باشد یا به جواب . . مؤکد باید کرد این بنده باید بدان مشغول شود تا فائده آن سئوالات . . عام برسد و هر که را بحثی و سخنی روی نماید و جوابی تواند گفت یا نوشت آسان باشد و حقیقت احوال انشاء الله بر خواهندگان و خوانندگان پوشیده نماند .

بنا بر آن التماس، این رساله در اعتقاد نوشته شد و دیباچه این به ذکر امیر و امیرزاده عادل و نیکو دل پشت و پناه مؤمنان شهر یار ایران و توران .
جوان و جوان بخت با فرهی سرفراز و دل دار دولت رهی

که در این زمان جان اصفهان و باسان عراق است معطر و مشرف گشت . یقین که چون به نظر لطیف و مطالعه شریف آن مقبل رسد مقبول آید و پسندیده گردونام این رساله « مسمار العقیده » است یعنی چون آدمی به حقیقت عبارت از اعتقاد است، اگر عزیزی این را فهم کند و جواب های آن را بداند من بعد مسمار بر در عقیده بندد و بتوفیق الله هیچ عقیده دیگر را غیر از این در دل نگذارد .

انجام : . . و چون آبا و اجداد این ضعیف لهیف که مؤلف این رساله و مرتکب این بسالت است الفقیر الی الله الجلیل هبه الله بن محمد الاصل اصحاب احادیث سید المرسلین و قائل الزالمحجلین بوده و همواره مناقب و مآثر امیر المؤمنین و امام الممتقین ساخته و کتابها پرداخته و به شرح شمری از کمالات و فضائل ائمه معصوم هریک خود را مشرف گردانیده و آن معانی در زمانی که امام [را] قوت و مکنث آن که اظهار امثال آن کنند نبوده در سلك کلک استعمارت کشیده . بعد از آن که حق تعالی این مسکین را من المهد الی المهد هم توفیق خلوت و عزلت وهم صحبت اصحاب علم و دین و معرفت وهم موافقت ارباب عقل

وحکمت وهم مراقبت خداوندان قضا و قدر و حکومت لاسیما مجلس عالی مولی الموالی عصیر المفاخر والمعالی قاضی القضاة والحکام جلال الاسلام ضاعف الله [جلاله] ومدضلاله که اباً عن جد خلیفه عجم و رئیس رؤساء امم بوده کرامت فرموده و بر وفق قضیه « انا وجدنا آباءنا علی ذلك ، وبقیه آثار » طاب العلم فریضه « از روی بحث و تفقیح به تدوین کلمات و تحصیل جواب این سؤالات قیام نمود و بی مداخله این مشکلات را بر طبق عرض نهاد و اگر چه بعضی جاهلان را موافق طبع نیاید اما : اذارایت الرجل محبباً فی اخوانه مودداً عند جیرانه ناعلم انه مداهن .

امید به فضل کردگار چنان است که ملوم و معایب نگردد و دیناً و دنیا از این فایده هاء بی منتهی بیند و از خرمن نزدیکان و مقربان حضرت « و علمناه من لدنا علماً » خوشه چینند . و نیز چون مطاوعت پادشاه عادل و متابعت سلطنت کامل به مطاوعت خدا و رسول پیوسته ، و او مقتدی به امامت علی بن ابیطالب و مشایعت حزب غالب یقین که بعین عنایت « انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون » ملحوظند در کف رعایت « والله غالب علی امره » به حظ او فر و خط او فی محظوظ افتد . بلطفک یا اکرم الاکرمین بچودک یا ارحم الراحمین .

نموته سبک کتاب : « سؤال : همچنین توقع دارد شیخ فرماید که جماعتی در لیلۃ العقبه چون پیغمبر علیه السلام از حجة الوداع بازگشته بود وصیت کرده مسلمانان را با امیر المؤمنین علیه السلام و کاربرد و سپرده و تمامت حاضران تهنیت گفته ، کدام بودند که قصد پیغمبر داشتند و قصد امیر المؤمنین به راه آمده بودند و نام ایشان چه بود و چه قصد داشتند . چرا این خدعت می کردند تا خدیجه ایشان را بدیدند و پیغامبر فرمود که اعزکم بالمنافقین خدیجه ایشان کدام بودند و نام و نسب ایشان چه بود و چه معنی دارد « اعزکم بالمنافقین خدیجه » تا مردم دشمنان خدا و رسول خدا را بشناسند و بدانند که برق چگونه بجست و ایشان را رسوا کرد ، و حال ایشان آشکارا شود و همچنان که مؤمنان ایشان را می شناسند مسلمانان نیز ایشان را بدانند که ایشان چهارده تن بوده اند .

رساله در اصول عقائد

به روش شیعی . در ۲۵ باب بنا بر آنچه در فهرست آغاز رساله آمده است و این فهرست بر متن کتاب درست منطبق نیست چه در میان بایب افزوده شده و شمار درست ابواب ۶۶ است .

این رساله هم از کارهای شیعی آغاز قرن هشتم باید باشد . در آن از ابوالفتح عجلی در گذشته ۶۰۰ و کسانی دیگر نقل می شود .

آغاز : « بسم الله . الحمد بقدرت العالمین وصلى الله على محمد و آله اجمعین .

بدان ای دوست مخلص که اول بنده مکلف معرفت ایمان واجب است (کذا) و ایمان تمام نشود الا بر هشت چیز که اصول دین خوانند توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و تولا و تبرا و امر معروف و نهی منکر . . . پس به فضل ذی الجلال اجتهاد کردیم تا معنی تولا و تبرا را از عترت رسول در این مختصر جمع کردیم »

۱۲

رساله در اثبات امامت

از ابوالفضل محمد بن ابی المکارم علی حسینی در سال ۶۴۹ و در دیباجه از مجموعهات و مؤلفات دیگر خود، و از این که در هنگام تدوین این رساله بواسطه نااهلان روزگار و دانشمند نامان مکار کنج انزوا گرفته بود یاد می کند .

آغاز : « بسم الله . سپاس و ستایش آن خدای را »

منشی و محرر این رساله بنده ضعیف نحیف ابوالفضل محمد بن ابی المکارم الملوی الحسینی غفر الله ذنوبها و ستر عیوبها مدتی مدید و عهدی بعید خواهان بود که مسأله ای چند در اثبات امامت امیر المؤمنین علی علیه السلام و فرق میان تقدیم و تفضیل بیان کند و جواب آن به دلیل قاطع و برهان ساطع گوید . از علایق و عوایق روزگار و ناموار فراغت نمی یافت با آن که در مجموعهات و مؤلفات خویش جزوی از کل در اثبات سخن آورده است . اما در شهر سنه تسع و اربعین و ست مائة که خدای عز و جل به واسطه نااهلان روزگار و دانشمند نامان مکار در کنج انزوا . . . فرموده اما بحمد الله و سعة فضله قوة تفکر که خواجه عالم (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن خبر می دهد که « تفکر و اقی الله ولا تفکر و اقی ذات الله » غالب بود و دل و جان طالب که در سبق درجه و تقدیم و تفضیل و مناقب و مناصب و افضلیت و اولویت و اقریبیت جزوی چند از بیاض به سواد رسد تا غبار لوث از دامن مؤمنان صادق و موحدان عاشق پاک شود و خاردیده اغیار شکسته گردد .

اکنون بیان کنیم که خلق عالم دو گروهند چنان که حق تعالی در کلام مجید می فرماید « فمنکم کافر و منکم مؤمن » ، و اولاد آدم از این دو بیرون نباشند بعضی جاهل و بعضی عالم ، علماء نیز از این دو بیرون نیستند علماء ضلالت و علماء توحید و هدایت جهان نیز از دو بیرون نیستند .

فی الجمله چون حضرت مصطفی (ص) از سرای فنا به دار بقا رحلت فرمود اختلاف در میان امت ظاهر گردید ، بمضی گفتند شایسته امامت و خلافت بعد از مصطفی صلوات الله علیه ابو بکر است و قومی گفتند علی بن ابی طالب فاضل تر است .

فی الجمله اهل ضلالت بیشتر بودند ، نه به قرآن کار کردند نه به حدیث ، و وصیت پیغمبر را کار نداشتند پنداری که هرگز قرآن نشنیده اند و نخواهند اند و حضرت سید کائنات را هرگز ندیده اند . مگر این آیه وصف ایشان است :
یحرفون الكلم عن مواضعه .

التصه این ضعیف در آن صرف کرد که معلوم کند که کدام طایفه یر جفتند از این هر دو گروه ، ناجی درستکار کدامند و هالک و زیان کار کدام . تا انصاف بدهد بی علت و تعصب حق را از باطل فرق کند و از فرقه ضلالت و بدعت خود را در کشف چه با اهل بدعت و ضلالت این چنین ضلالت است . لابد این کار را دقیق علوم و حقایق عقل درمی بایست ، از علوم هر چه غیر از قرآن و حدیث است افسانه است و از آن غرضی حاصل نمی شود و بنده مؤمن را جز کلام باری عز اسمه و حدیث مصطفی طهر جسمه به حضرت عزت و مقام قرب و فی مقعد صدق عند ملیک مقتدره نرساند . این عروس اسرار بر بنده متجلی شد لازم دید روی به داروخانه قرآن و اخبار نبوی نهادن تا آن در غرر از بحر قرآن و احادیث و اخبار نبوی بیرون آورد و به سواد انفس بر بیاض قرطاس نقش کند تا تذکره باشد این ضعیف منصفان عهد را ، و طاعتان بدعهد را خار در دیده شود و الله ولی التوفیق و هادی التحقیق .

فصل در بیان مقصود . بدان که اعانک الله و وفقک الله المرضاه در کتب متقدمان و متأخران نظر کردم از تفاسیر و احادیث ، از تعصب و مخالفت خدائی نیافتم . پس به حقیقت دانستم که عداوت و شرک از درون هیچ کس خالی نبوده است .

فی الجمله شخصی را اذاهل سنت و جماعت به دست آوردم که از فنون علوم باخبر بود . با او در سخن آمدم

نهج الیقین

در اصول دین . از شاه ولی بن محمد امین سخنانی به نام نظام شاه در نیمه نخستین قرن یازدهم . در مقدمه شش باب (در دیباچه پنج باب) و خاتمه :

مقدمه - در بیان اثبات واجب الوجود .

باب نخست : در صفات ثبوتیه . باب دوم - در صفات سلبيه . باب سوم - در عدل . باب چهارم - در نبوت . باب پنجم - در امامت . باب ششم - در بیان حقیقت معاد جسمانی .

خاتمه - در حقیقت توبه و عذاب قبر و سؤال نکیرین و صراط و قیامت .

آغاز : « بسمله . . خلاصه حمد و سپاس و تقاوة شکر بی قیاس مر خدایی

را در خور است که به واسطه انتظام امور عالم . . .

اما بعد بدان که این رساله ای است مسمی به نهج الیقین در اصول دین به طریق حق اهل الیقین که هر موحدا از دانشمندان آن گزیری و هر مکلف را از شناختن آن گزیری نیست چه عارف به مسائل آن ناجی و عالم به دلائل آن راجی به نعیم مؤبد گردد به طریق انیق ائمه دین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین . بنا بر این بنده کمترین آل رسول هاشمی شاه ولی بن محمد امین سمنائی که دست اقتدا به دامن اهتدایه الی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی « زده ، کشت زار امیددینی و دنیوی خود را از لال افضل رسول قرشی و اهل بیت طاهره آن حضرت سیراب ساخته و لوای ولایت ایشان را بر فرق سرانداخته ، فیافی فواد خود را از عیون ارادت ایشان سرسبز وریان نموده ترتیب داده بر سبیل اختصار نه اطناب و اکثار که از کتب معتبره و اسانید صحیحه موافق و مخالف انتخاب نموده و در سلك بیان منظم ساخته ، به رسم تحفه خزانه عامره اعلی حضرت . .

. . . ابوالفتح برهان نظام شاه . . درجه تحریر و مرتبه تقریر یافت .

حقا که نثار بارگاه تو سزد هر جا گهری بر آید از کان سخن

هر چند این داعی بی بضاعت و راجی کم استطاعت را اهلیت تصنیف و قابلیت

تألیف نیست سیما خوض در چنین مبحثی . . . »

۲۲

مرآت القلوب

در امامت . از علی رضا بن محمد رستم داری در ۱۰۳۰ در پرتنه از شهرهای

هند به نام نجیب الدین ابراهیم فتح جنگ . در مقدمه و سه مقصد و خاتمه :

مقدمه - در بیان مفهوم و شرائط امامت .

مقصد ۱ - امام بعد از پیامبر کیست .

مقصد ۲ - ابطال خلافت خلفا .

مقصد ۳ - اثبات امامت امیر مؤمنان .

خاتمه - بیان نسب امامان اهل بیت .

آغاز: « بسمله . . . ما اجل شأنه وما اعظم برهانه که شیر مردان مسالک قرب ازادای حمد و ثنائیش را جل و باریافتگان سراقق کبیریا از فضل آلامش به مجز و قصور قائل . . . »

ناظم این عقود لالی اقل خلق الله علی رضابن محمد رستم داری همیشه در خاطر داشتیم که در علم امامت که اشرف علوم و محل جد شدن مذهب حق از طریق باطل است و دانستن او بر همه کس واجب و لازم ، موجزی به سمت ظهور جلوه پیرا گردد اما از ضعف پیری و ناتوانی و شدت پریشانی و بی دماغی میسر نمی شد که این صورت ذهنیه خیالیه را از نهان خانه خفا به لوح بیان نگارش دم . آخر الامر به تاریخ سنه ثلاثین و الف من الهجرة النورية النبوية در دارالامان پتنه صانه الله تعالی عن البلیته و الفتنه توفیق روی نمود . نقاب تکامل و حجاب تکاسل را به يكسونهاد شروع در مقصود نمودم و نظر سعی در معنی اندیشه گماشتم . آنچه مقتضای دلیل و برهان و عطا بق حدیث و قرآن بود از هر جا مؤلفان سلف از آیات و احادیث و اخبار و روایات و ادی دروادی رحیل بر رحیل لیل و نهاراً به حسب طاقت و قدر استطاعت بذل جهد نمودم و جمع آوردم و این مجموعه مرتبه را به « مرآت القلوب » موسوم کردم و از برای نشر در مجلس بهشت ایاب بندگان . . .

المخاطب بخطاب فتح جنگ نجیب الدین ابراهیم خلد الله علینا و علی كافة البرایا ظلال جلال دولته و حکومته به قلم مشکین رقم مزین گردانیدم .

انجام: « و قد و تح الفراق من تکمیل هذا الترتیب المسمى بمرآت القلوب فی غرة شهر ذی القعدة سنه الف و ثلاثین من هجرة النورية النبوية علی ید مرتبه - المحتاج الی رحمة الله الغنی علی رضابن محمد رستم داری و كان ذلك فی دارالامان پتنه . »

۲۴

ریاض المحبین

فی مناقب امیر المؤمنین . از جلال الاسلام صاعدی به نام نظام شاه . در ۱۲ روزه هر یک در اثبات فضیلت حضرت امیر مؤمنان علی از رهگذر نکته ای که در آن روزه بررسی می شود .

- ۱ - بدو خلقت ۲ - محل ولادت ۳ - سبق اسلام ۴ - تزویج حضرت زهرا - ع ۵ - وجوب مودت ۶ - نصرت دین ۷ - علم و دانائی به نص آیات و اخبار ۸ - زهد و تقوی ۹ - اخوت و برادری با پیامبر ۱۰ - استحقاق مرتبه امامت ۱۱ - حدیث علی مع الحق و سد ابواب ۱۲ - القاب امام .

آغاز : « بسمله . . حمد و ثنای بی انتها پروردگاری را سزااست جل و علاکه بهید قدرت نور لامع الظهور مصطفی و مرتضی را . . .
 اما بعد چنین گوید اقرالمحتاجین الی الله الغنی جلال الاسلام الصاعدی . .
 که تا به شرف مطالعه حدیث صحیح و نص صریح «ان الله تعالی . . . » فایز شد
 در خاطر فاتر بود که به ترقیم چند کلمه از فضائل و مناقب امیر المؤمنین . سرافراز
 شود به محبان آن حضرت رساند تا ایشان هم به وسیله شرف مطالعه و مذاکره
 و استماع آن مناقب علیه به سعادت مغفرتی که مذکور شد فایز شوند . تا در این
 زمان سعادت نشان خواست که خود را ذره وار مذکور خاطر دریا مقاطر نواب
 کامیاب عالی حضرت . . اشرف همایون نظام شاه . . گرداند ، با وجود
 پریشانی های خاطر و عدم فراغ باطن و ظاهر در جمع این رساله توجه عام نمود
 و در عرض قلیلی از ایام قامت آن را کسوت اتمام داد و مشتمل بر دو اذنه روضه ساخت
 و آن را « ریاض المحبین » نام نهاد . امید که چون به نظر کیمیا اثر آن عالی
 حضرت رسید به سعادت حسن قبول سرافراز گردد . »

۲۷

ذخیرة المقالة

در علم کلام . از ظاهر علوی ، گویا همان امیر محمد طاهر علوی نگارنده
 اخلاق قاسمی - ش ۶۱۹۱ ملك (فهرست منزوی ۲ : ۱۵۳۲) در ج ۱ -
 ۰۹۹۴ . به نام نظام شاه ، در مقدمه و پنج فصل و خاتمه :
 مقدمه - در کتبی بعضی از اصحاب رسول (ص) با حضرت مرتضوی .
 فصل ۱ - ملقب بودن علی (ع) پیش از درگذشت پیامبر به امیر المؤمنین .
 فصل ۲ - مأمور شدن پیامبر به جانشین ساختن علی . فصل ۳ - روایات مربوط
 به غدیر . ۴ - وقایع پس از بیعت غدیر . فصل ۵ - درگذشت پیامبر و غصب
 خلافت .
 خاتمه - حدیثی در باب سب .

آغاز : « بسمله . . ستایش سزاوار و حمد بی شمار واجب الوجود قایض-
 الجودی را که کمال وجود را بر قوابل ماهیات اضافه فرمود . . .
 اما بعد این رساله ای است ذخیرة المقالة از تعلیمات خاگرو به مشهد
 غروی طاهر علوی در بیان امامت حضرت وصی و فی علیه سلام الله الملك الولی و
 تبیان اخبار و روایاتی که در باب خلافت مروی است و اجماع فقهای امامیه بر آن
 منعقد شده و شك و ریب را مدخل نیست . و مزین و محلی شده به نام نامی و اسم
 سامی بندگان اعلی حضرت . . . برهان نظام شاه . . . »